



خبرنامه

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

فبری سیاسی

دوره جدید، شماره ۵۸

۱۳ فروردین ۱۳۸۳ - ۱ آوریل ۲۰۰۴

مادر لباس‌ها را گرفت و گفت: ((هفت سال مرا از کرج به اوین
کشانید و هر بار پرسیدم، دفترم کی آزاد می‌شود؟ گفتید: بزودی.
حالا بی آنکه نشانی‌گورش را بدهید، تنها لباس‌هایش را تعویض
می‌دهید! لباس‌های او را بر آستانه در خانه‌مان آویزان می‌کنم تا
یادمان نرود شما با ما چه کردید!))

آیا حقوق بشر مقوله‌ای است بورژوائی؟

بازتعریف نماید. در جریان این تحول، طبقات اجتماعی منافع، انگیزه‌ها و اهداف کاملاً متفاوتی را دنبال کرده‌اند. طبقه حاکم همواره سعی کرده با تدوین قوانین متناسب با موقعیت طبقاتی خود حقوق طبقه محکوم (توده مردم) را پایمال کند. در مقابل طبقه محکوم برای دستیابی به حقوق انسانی خود در مقابل زورگویی‌ها و حق‌کشی‌های طبقه حاکم دست به مبارزه و قیام زده است. اگر بخواهیم به نمونه‌های تاریخی برجسته در این رابطه اشاره کنیم باید به قیام برده‌ها برهبری اسپارتاکوس، قیام‌های دهقانی در سده‌های چهارده و پانزده و انقلابات اجتماعی و کارگری در اواخر قرن نوزدهم نظیر انقلاب فرانسه و اوایل و اواخر قرن بیستم نظیر انقلاب روسیه اشاره کرد. **بقیه صفحه ۲**

امروز که از مقوله حقوق بشر صحبت می‌شود، همه نظر‌ها معطوف به آزادی‌گفت و شنود، آزادی اندیشه، آزادی احزاب، تشکل‌های صنفی، اجتماعات و تدوین قوانینی است که تجاوز به حق انسان در چارچوب حقوقی و قضائی را منع می‌کند. در فرایند شکل‌گیری جامعه طبقاتی، حق‌کشی و پایمال کردن حقوق انسان بیک اصل جوامع بشری تبدیل شد و در دوران‌های مختلف تاریخی با تحولاتی که در جامعه بشری رخ داد اشکال آن نیز تغییر کرد. همسو با پیدایش چنین وضعی، طبقات محکوم برای بدست آوردن حقوق پایمال شده خود پیوسته با طبقه حاکم در ستیز بوده‌اند. با ظهور نظام اجتماعی سرمایه‌داری و ایجاد ساختارهای مدنی برای اداره جامعه بشری، انسان ناگزیر شد روابط میان خود (طبقات اجتماعی) را

از آن وقت تا بحال اثری از او در هیچ جا نیست

انفرادی و بند توأبین بازداشتگاه گذرانده بود. از هواداران سابق مجاهدین بود و برادرش در زمان شاه اعدام شده بود. به علت دستگیریش اشاره نکرد. از صحبت در آن باره خودداری کرد. روزهای بعد بیشتر با هم گرم گرفتیم. یک روز متوجه سوختگی روی دستش شدم و چند روز بعد در حمام آثار سوختگی‌های دیگری با سیگار را روی سینه و کمرش دیدم. گویی با سیگار روی بدنش نوشته بودند. تازه آن موقع به یاد آمد عکس او را در نشریه مجاهد دیده‌ام که نوشته بودند با آتش سیگار شکنجه‌اش کرده‌اند. بعد از آنکه با هم بیشتر دوست شدیم، او در باره سوختگی‌های بدنش برایم صحبت کرد. در سال ۱۳۵۹ توسط چند پاسدار در خیابان ربوته شده و **بقیه صفحه ۳**

طبق معمول هر هفته، تعدادی تازه وارد از بازداشتگاه به زندان عادل آباد منتقل شدند. معمول بود بقیه زندانیان برای یافتن آشنائی در بین تازه واردین به دیدار آن‌ها می‌آمدند. فردای آن روز هنگام قدم زدن در هواخوری چهره یکی از تازه واردین بنظرم آشنا می‌رسید کجا او را دیده بودم، نمی‌دانستم. تنها قدم می‌زد و نگران به نظر می‌رسید. سعی کردم به او نزدیک شوم و سر صحبت را باز کنم. به او سلام کردم. جواب سلام را به سختی و با لکنت داد. اعتماد نمی‌کرد و نمی‌خواست براحتی صحبت کند. منم اصرار زیادی نکردم. چند روز بعد دوباره سر صحبت را با او باز کردم. این‌بار کمی راحت‌تر صحبت کرد. اسمش محمدعلی بود و حدود یکسال پیش دستگیر شده بود. چندین ماه را در سلول

گرامی‌داشت خاطرہ جان باختگان

زندانیان ریژیم در خاوران

آخرین جمعه سال ۱۳۸۲، گورستان خاوران در جنوب تهران هم‌چون سال‌های گذشته محل تجمع خانواده‌های جان باختگان زندانیان ریژیم در دهه شصت بویژه قتل‌عام شدگان تابستان ۱۳۶۷ بود. خانواده‌ها سراسر گورستان را کلباران کرده بودند. مراسم با اعلام یک دقیقه سکوت آغاز و یاد مادر ریاحی که در آستانه سال جدید زندگی را به درود گفت گرامی داشته شد. در ادامه مراسم، خانواده‌ها گرداگرد عکس‌های عزیزان‌شان که بوسیله ریژیم اسلامی به جوخه‌های اعدام سپرده شدند حلقه زده و با خواندن شعر و سرود یاد آن‌ها را گرامی داشتند.

شایان توجه است که مادر ریاحی، یکی از مادران مبارزی بود که سه فرزندش، جعفر، محمدصادق و علی ریاحی توسط ریژیم‌های سلطنتی و جمهوری اسلامی اعدام شدند.

بهار در "لعنت آباد"

فرزانه ر بالای سرم ایستاده بود و صدایم می‌کرد. از خواب بیدار شدم. باعتبار گفت: «مگر نمی‌خواستی جمعه آخر سال را سرخاک فرسبید بروی؟» یک هفته بود که در باره‌اش فکر می‌کردم. برام خیلی سخت بود که پس از ۲۲ سال سرخاک فرسبید بروم. تمام هفته خوابشان را دیدم. هر لحظه کنارم بودند. هردو فرزند و فرسبید. هردو توی بغلم گریه می‌کردند. آنقدر گریه کردند و آنقدر مادر با عتاب به من نگاه کرد که بالاخره تصمیم گرفتم بروم: «خاتون آباد». با عجله برخاستم. طبقه بالا رفتم. اتاق خودم. چقدر تاریک بود. لامپ هم سوخته بود. توی تاریکی هیچ چیز نمی‌دیدم. دیر شده بود. روپوشم را با هزار زحمت پیدا کردم ولی روسری‌ام پیدا نمی‌شد.

باز آمد دم در: «عجله کن دیر شد!» و دیر شده بود. آنقدر دیر که همه رفته بودند و من جا ماندم، مثل همیشه.

از خواب بیدار شدم. ساعت ۶/۵ صبح بود. همان ساعتی بود که قرار گذاشته بودم بیدار شوم. هوا روشن شده بود ولی ابری بود. یک ساعت وقت داشتم. با آرامش لباس پوشیدم. صبحانه خوردم و سر ساعت ۷ آماده بودم. دوستان زودتر رسیدند. هنوز هفت و نیم نشده بود.

قیرش را پیدا نمی‌کردم و هیچ آشنائی که مادر را بشناسد. همه با تأثر سرتکان می‌دادند و آخر سر اینکه: «چه فرقی داره، همه مثل همندا!» همه مثل هم بودند. لحت و عور در بیابانی که اسمش قبرستان بود. بدون سنگ، بدون نام، و بدون کاج و گلدان: «لعنت آباد» بود و نفرین کسانی نصیبشان شده بود که از مرده‌هایشان هم می‌ترسیدند. نمی‌دانم چه ماهی از سال ۶۷ بود که مادر آشفتم‌تر **بقیه صفحه ۳**

کانون زندانیان سیاسی طی یک ماه گذشته چندین اطلاعیه به مناسب‌های گوناگون از جمله روز جهانی زن منتشر کرد که به علت تراکم مطلب امکان چاپ آن‌ها در خبرنامه نیست. اطلاعیه‌ها در سایت کانون درج شده‌اند. اخبار مردمی، نقض حقوق بشر و پناهندگی را هم به طور روزانه می‌توان در صفحه خیری سایت کانون ملاحظه کرد.

از هم اکنون باید در تدارک دادگاه سران جمهوری اسلامی به جرم بنایت علیه بشریت و عاملین شکنجه و اعدام و کشتار ده‌ها هزار دکراندیش سیاسی و فرهنگی، مردم کوچه و فیابان مبتنی بر معیارهای ویژه یک جامعه انسانی بود که در فردای واژگونی ریژیم، نقطه عطفی باشد برای دادخواهی و اجرای عدالت و مبارزه برای نفی زندان و شکنجه و اعدام و سرکوب در ایران.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

بخشی از گزارش امینی لیگابو در باره وضع حقوق بشر در ایران

امینی لیگابو، گزارشگر سازمان ملل در امور آزادی عقیده و بیان است در آبان ۱۳۸۲ از ایران دیدار کرد و با برخی از زندانیان، دانشجویان و روزنامه نگاران دیدار نمود، اما بسیاری از درخواستهای وی برای ملاقات با زندانیان سیاسی بی جواب ماند و بسیاری از پرونده ها که خواستار دسترسی به آنها بود به وی نشان داده نشد. لیگابو میگوید با تاسف و نگرانی در مقابل درخواستهایم برای کسب اطلاعات بیشتر راجع به مرگ زهرا کاظمی خبرنگار ایران الاصل کانادایی، عکس العمل قابل ملاحظه ای مشاهده نکردم و مقامات دولتی در مورد این جنایت نفرت انگیز برخورد لازم انجام ندادند و مشخص نشد که عوامل مرگ خانم کاظمی مجازات شده باشند. گزارشگر سازمان ملل میافزاید در ایران سرکوب به صورت سیستماتیک اعمال می شود و همین امر باعث ایجاد فضای ترس و وحشت شده است. این فضا هرگونه انتقاد علیه عقاید مذهبی حاکم و حتی نهادهای اجرائی آن را محدود می کند. امینی لیگابو ضمن اشاره به خصلت استبدادی قوانین رژیم جمهوری اسلامی می گوید حتی وکلای مدافع نیز از مصونیت برخوردار نیستند. وی برای آزادی تمامی زندانیانی که به جرم بیان عقیده تحت پیگرد قرار گرفته اند فرخوان داد.

گزارش لیگابو قرار است در اجلاس جاری کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل که از پانزدهم مارس سال جاری آغاز شده و تا اواسط آوریل ادامه خواهد داشت مورد بررسی قرار بگیرد.

شصتمین نشست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل آغاز به کار کرد

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل شصتمین نشست دوره ای خود را روز ۱۵ مارس ۲۰۰۴ برابر با ۲۵ اسفند ۱۳۸۲ آغاز کرد. این کمیسیون قرار است تا اواسط ماه آوریل سال جاری به وضعیت حقوق بشر در کشورهای جهان از آنجمله ایران رسیدگی کند.

امور بین الملل کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) طی ارسال نامه ای به چند دولت عضو کمیسیون نظیر دولت های سوئد، سوئیس، کوبا، فرانسه، هلند و اتریش، ضمن ارائه گزارش کوتاهی در باره نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی در ۲۵ سال گذشته، خواهان صدور قطعنامه محکومیت این رژیم و انتخاب یک هیئت بین المللی برای نظارت بر حقوق بشر در ایران و رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی از جمله شکنجه مخالفان، اعدام های دسته جمعی زندانیان سیاسی در سال های اول دهه ۱۳۶۰، پرونده قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ و قتل های زنجیره ای در دادگاه جنایی بین المللی وابسته به دادگاه بین المللی لاهه شد. در این خصوص دیدارهایی نیز با مقامات سوئدی و کوبایی برگزار شد.

آن است یا وجود این آیا باید دستاوردهای تاکنونی جامعه بشری در زمینه حقوق بشر، مدنی و دموکراتیک را به حساب بورژوازی گذاشت و مبارزه برای احقاق آن را یک مقوله بورژوائی دانست؟

حقوق بشر مانند سایر مسائل اجتماعی، عرصه ای از مبارزه توده مردم برای احیای حقوق از دست رفته شان است. مبارزه در هر عرصه اجتماعی، بر عرصه های دیگر تاثیر بلاواسطه و فوری دارد. هیچ عرصه ای از فعالیت بشر مستقل از عرصه های دیگر نیست. اگر توده های مردم از حق تشکل و اعتصاب در کارخانه و اداره و بیمارستان و دانشگاه و مدرسه برخوردار باشند و از زندان و شکنجه و اعدام نهراسند، آسان تر می توانند علیه احقافات و تضییقاتی که بورژوازی به جامعه بشری تحمیل کرده مبارزه و قیام کنند.

طبیعی است مفهوم حقوق بشر در نظر مردم به حیطة و تقسیری که طبقه حاکم بورژوازی ارائه می دهد محدود نمی شود. حقوق انسان تنها به حق او در زمینه های حقوقی و قضائی محدود نیست. انسان (کار) استثمار می شود و ناچار است برای امرار معاش نیروی کار خود را به کارفرما بفروشد. عرصه کار هم عرصه حق کشی است و بنابراین مبارزه در این راستا همسو با مبارزه برای کسب حقوق در عرصه های دیگر زندگی قرن ها در جریان بوده است. مبارزه در این دو عرصه همواره در یک رابطه تنگاتنگ، اما با ابزارهای متفاوت صورت گرفته است. ساده اندیشی خواهد بود اگر از سندیکا یا اتحادیه کارگری انتظار داشته باشیم کار حقوق بشری انجام دهد، یا از یک سازمان حقوق بشری یا سیاسی و "دمکراتیک" انتظار فعالیت سندیکائی داشته باشیم. در عین حال که هر یک از اینها بعنوان ابزارهای سازمانی طبقات محکوم از هم دیگر تاثیر می پذیرند، اما حیطة کاری و وظایف جداگانه مربوط بخود دارند. این به هیچ وجه نافی فعالیت یک کارگر یا یک فعال جنبش کارگری در یک سازمان حقوق بشری یا "دمکراتیک" و سیاسی یا یک فعال حقوق بشری در سندیکا و اتحادیه نیست. آنچه مهم است این است که این ابزارها را در خدمت به منافع طبقه محکوم (توده مردم) به کار بگیریم. اگر امروز یک زندانی سیاسی سابق از طریق بازگویی رنج هایی که در زندان بر او رفته، به افشای بیدادگری های طبقه بورژوازی مذهبی حاکم بر ایران در زندان می پردازد، آن را با هدف تقویت مبارزه توده ها برای رهائی از نظم غیرانسانی موجود حاکم بر ایران انجام می دهد. اگر بپذیریم عنصر آگاهی شرط لازم مبارزه است، پس این را نیز باید بپذیریم که بدون اطلاعات و انتقال تجربه عنصر آگاهی وجود نخواهد آمد. نقش عنصر آگاه برای بردن آگاهی به میان مردم همان قدر مهم است که مبارزه مردم برای ارتقاء حقوق بشر، سطح زندگی و معیشت خود.

نمایش عبا و عمامه ...

این گونه "آثار هنری"، مخالفت با آزادی اندیشه و بیان از سوی کانون نویسندگان ایران (در تبعید) به شمار می رود؟ متن کامل بیانیه عباس سمکار را در صفحه خبر سایت کانون زندانیان بخوانید.

آیا حقوق بشر...

در طول تاریخ، همواره تحولاتی در زندگی انسان بویژه در زمینه حقوق بشر رخ داده که فرایند کشمکش میان طبقات حاکم و طبقات فرودست و رشد جامعه بشری بوده است. طبقات حاکم برای همسو کردن خود با تحولات جامعه بشری، بارها در طول تاریخ ناچار به بازتعریف نظریه ای نظام اجتماعی خود شده اند. در حالی که طبقات فرودست بر بستر این تحولات، طبقات حاکم را برای احیای حقوق از دست رفته خود تحت فشار فرار داده و آن ها را ناچار به تعدیل برخی قوانین نظام اجتماعی خود کرده اند. اگر امروز طبقه حاکم بورژوازی در باره حقوق بشر صحبت می کند و یا برخی آزادی های اجتماعی را در قوانین خود طرح و جرایم کیفری را به روش مدنی دادگاه و قضایی و وکیل رفع و رجوع می کند، نه بخاطر احترام به شان انسانی است و نه بخاطر باور به رعایت حقوق توده مردم. در نظام اجتماعی سرمایه داری وجه مشخصه جامعه طبقاتی نسبت به نظام های اجتماعی پیش از آن که طبقات محکوم در بی حقوقی مطلق بسر می بردند تغییر کرده است. در این نظام بردهداری به شیوه کلاسیک آن از بین رفته و دیگر دهقان بعنوان سهم مالک از زمین مورد خرید و فروش قرار نمی گیرد. در نظام اجتماعی سرمایه داری طبقه محکوم دیگر فرمانبر بی چون و چرا یا پراکنده و ضعیف نیست. برای حقوق خود مبارزه می کند، ابزارهای سیاسی و سازمانی خود را بپا می کند و به طور مداوم برای دستیابی به حقوق خود طبقه حاکم بورژوازی را تحت فشار قرار می دهد و توانسته مطالبات انسانی خود را در بسیاری از عرصه های زندگی از او بگیرد یا او را ملزم به طرح آن ها در قوانین خود کند.

بر اثر تحولاتی که امروز در جامعه بشری بوجود آمده، بورژوازی نمی تواند جامعه را با معیارها و ابزارهای دوران بربریت یا حتی دوران های تاریخی پیش از خود اداره کند. مناسبات اجتماعی و شرایط عینی و ذهنی توده ها تغییر کرده است. بحسب این تغییرات بورژوازی ناچار شده تغییراتی هر چند دست و پا شکسته و روپنایی در سازمان اجتماعی و مناسبات خود با توده مردم بوجود آورد. بدون این تغییرات، بدون انعکاس برخی حقوق مدنی و دموکراتیک در قوانین نظیر گزینش حق رای عمومی و موادی از مبانی حقوق بشر، بدون تدوین قوانینی که رابطه میان طبقه حاکم و طبقه محکوم را در همه عرصه های اجتماعی کار مشخص کند، بدون وجود پارلمان و دستگاه دولت با مفهوم امروزی آن، بدون... جامعه بشری کنونی و نظام اجتماعی سرمایه داری ناظر بر آن کارکرد نمی یافت.

بورژوازی برای آنکه آنچه را که جامعه بشری طی قرن ها برای بدست آوردن آن تلاش کرده به خود منتسب کند، با فریبکاری زایدالوصفی تلاش می کند خود را با آن ها تعریف کند. مقوله حقوق بشر هم از این دست است، اگرچه به آن اعتقاد ندارد و موجودیت طبقاتی اش در تضاد کامل با آن است، اما از طریق تبلیغات و ایجاد فضای روانی در جامعه، تلاش کرده این ذهنیت را در افکار عمومی بوجود آورد که مدافع بی چون و چرای

از آن وقت تا بحال...

در یک خانه امن مورد شکنجه قرار گرفته بود. در زمان شاه هم در تظاهرات ضدسلطنتی با باطوم الکتریکی مورد حمله پلیس واقع شده و بر اثر ضربات وارده بر سرش دچار لکنت زبان شده بود.

به اتهام شایعه پراکنی علیه رژیم دستگیر شده بود. مسئول سابق تشکیلاتی اش او را شناسائی و دستگیر و بازجویی کرده بود. به بازجویی گفته بود توسط چند پاسدار ربوده شده و شکنجه شده و می‌تواند آن‌ها را شناسائی کند. تعریف می‌کرد که چند نفری او را گرفته و با آتش سیگار بر روی پشت و سینه‌اش مرگ برمنافق و درود بر خمینی نوشته بودند. در سال ۵۹ به تهران رفته و به همراه مادر رضائی‌ها در مقابل مجلس با نشان دادن آثار شکنجه به نمایندگان و مسئولین حکومتی نظیر بازرگان و اعظم طالقانی خواستار رسیدگی بوضعش شده بود. اما با کم محلی آنان روبرو شده بود.

وقت هواخوری روی زمین نشسته بودیم و صحبت می‌کردیم که یکی از بچه‌های سلول روبرویی به جمع ما پیوست. او از بچه‌های پیکار بود. به همراه همسرش دستگیر شده بود. از جمله کسانی بودند که حکم تفتیل گرفته بودند. (۱) قرار بود او و همسرش را تا حد مرگ شکنجه کنند. آن‌ها یا باید حرف می‌زدند یا زجرکش می‌شدند. می‌گفت تا سیصد ضربه کابل را در یک نوبت تحمل کرده و بعد از آن دیگر طاقت نیاورده و حرف زده بود. اطلاعات زنش را هم داده بود و به این وسیله هر دو از حکم تفتیل نجات یافته بودند. بعد از مدتی او و همسرش را از زندان عادل‌آباد بردند و دیگر هیچ خبری از آن‌ها نشد. در محوطه زندان مقداری زمین کشاورزی بود که تعدادی از زندانیان عادی و سیاسی آنجا کار می‌کردند. برای زندانیان جالب بود در این مزرعه کوچک کار کنند یا به بهانه‌ای وارد آن شوند و کمی خیار و گوجه برای خود و هم سولوی‌هایشان بچینند. اگرچه گاه به گاه می‌شد محصولات مزرعه را در فروشگاه زندان هم خریداری کرد. وقتی زمان برداشت محصول می‌رسید، پاسداران به مزرعه می‌رفتند و برای خود خیار و گوجه و بادمجان می‌چینید. یک روز که با محمدعلی مشغول قدم زدن در هواخوری بودیم، او برای خوردن آب به بند رفت. وقتی او از پله‌های هواخوری بالا می‌رفت، یکی دو پاسدار که قبلاً در زندان کار می‌کردند از بند به هواخوری می‌آمدند. محمدعلی روی پله‌ها با آن‌ها روبرو شد. در میان آن‌ها پاسداری بود بنام فیروزی که از شکنجه‌گران قدیمی زندان و مدتی هم مسئول بند چهار بود. متوجه شدم که محمدعلی و فیروزی لحظاتی به هم خیره شدند. محمدعلی بسرعت وارد بند شد و فیروزی به طرف مزرعه رفت. هرچه منتظر شدم محمدعلی به هواخوری برگشت. بعد از هواخوری به سلول او رفتم. سر جای خود در طبقه سوم تخت خوابیده بود و ملاقه‌ای هم روی خود کشیده بود. چند بار او را صدا کردم اما جواب نداد. به سلول برگشتم. موقع شام به سلول محمدعلی سری زدم اما او هنوز روی تخت خوابیده بود. بعد از شام مجدداً به سلولش رفتم و ملاقه را از روی

صورتش کنار زدم. رنگش پریده و بسیار وحشت زده بود. نمی‌توانست حرف بزند. خیلی سعی کرد چیزی بگوید اما لکنت زبان امان نمی‌داد. راحتش گذاشتم. فردای آن روز هم به هواخوری نیامد. به سلولش رفتم. بیدار بود، اما روی تخت دراز کشیده بود. هرطور بود او را برای هواخوری بیرون بردم. همان‌طور که با هم قدم می‌زدیم، هر از چندگاهی از پشت توری فولادی دورتادور هواخوری به مزرعه نگاه می‌انداخت. با ترس و لکنت زبان به من گفت پاسداری که دیروز روی پله‌ها دیده یکی از کسانی بوده که چند سال پیش او را ربوده و شکنجه کرده و با آتش سیگار بدنش را سوزانده بودند.

محمدعلی تصمیم گرفت موضوع را با بازجویی در میان بگذارد. ظاهراً باور کرده بود که می‌تواند از این طریق به بازجویی ثابت کند که پاسداران بدن او را با سیگار سوزانده اند. آن زمان رژیم تبلیغ می‌کرد گروه‌های سیاسی فعالین خود را شکنجه می‌کنند و به گردن پاسداران و حزب‌اللهی‌ها می‌اندازند تا چهره رژیم را خراب کنند. بعد از آنکه موضوع را با بازجویی در میان گذاشت محمدعلی را از بند بردند و از آن زمان تا بحال اثری از او در هیچ جا نیست.

۱- تفتیل به این معنا است که کسی را به تدریج بکشند و یا به عبارت دیگر (زجرکش) کنند.

نمایش عبا و نعلین خمینی در برلن

خانه فرهنگ‌های جهان» که یک نهاد فرهنگی آلمانی در شهر برلن است، مانند برگزاری کنفرانس برلن در سه سال پیش که با ظاهر فریبی فرهنگی، در خفا چهره جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی را بزک می‌کرد، در بده بستان‌های خود اقدام به برگزاری نمایشگاه و جشنواره ظاهراً فرهنگی دیگری به نام «نزدیک دوردست» کرده است. در این نمایشگاه وسائل شخصی خمینی نظیر عبا و عمامه او به نمایش درآمده است. در شرح نمایشگاه نوشته شده است: موزه جماران توسط سه تن هنرمند ایرانی بازسازی شده است که منظور از «موزه جماران» کمد و وسائلی است که دقیقاً از روی نمونه کمدی که در جماران وسایل شخصی خمینی در آن قرار دارد کپی شده است. در این نمایشگاه، در گنجه وسایل، عکس قاب گرفته خمینی جلاد هم قرار دارد که بر حاشیه آن نوشته شده است: «صبر بسیار بیاید پدر پیر فلک را / تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید».

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) طی اطلاعیه ای که اخیراً انتشار داد نسبت به این اقدام مشاطه‌گرانه «خانه فرهنگ‌های جهان» اعتراض کرد و به هنرمندان و نویسندگان شرکت‌کننده در آن هشدار داد که بدانید که شما در برنامه‌ای شرکت می‌کنید که در کنار نمایشگاه وسایل شخصی خمینی جنایتکار که انقلاب ایران را به خاک و خون و هزاران انسان شریف و مبارز و نیروهای مادی و معنوی جامعه ما را به کشتار و نابودی کشید برگزار می‌شود. اطلاعیه کانون نویسندگان با اعتراض چند نفر از جمله عباس معروفی مواجه شد. **بقیه صفحه ۴**

بهار در «لعنت آباد»

از همیشه بازگشت. قبرستان «لعنت‌آباد» را بلندوزر انداخته بودند. برای چه؟ جا کم داشتند؟ خشمشان دوباره به خروش آمده بود و یا می‌خواستند از زیر زمین هم محوشان کنند. حتی مورچه‌های سیاه و چاق و چله را که نشان از تنی لخت و عور در زیر زمین داشت و نه زیر زمین، همان نزدیکی‌ها، نزدیک زمین، که حتی زحمت نداده بودند کمی بیشتر زمین را بکنند.

مادر و دیگران قبر عزیزانشان را گم کرده بودند. حالا آشنایی پیدا شده بود و می‌گفت: «مادرت همین بالا می‌نشست، بالای سرفرزی من!» دیگر چه فرقی داشت. فرشید آن‌جا بود بین دوتا قبر تردید داشت. قبر که نه. هیچ نشانی از قبر نبود. جایی خالی که می‌توانست دوتاجوان قد بلند را به اندازه فرشید جا بدهد. شاید هم به درازا چالش نکرده باشند. شاید گلوله‌ای در شکمش او را مچاله کرده و همانطور مچاله چالش کرده باشند. کسانی از روی کپه خاک‌هایشان روی آن دوتکه جا گل گذاشتند. شاید یکی از آن‌ها قبر فرشید باشد. شاید هم نباشد. شاید هر تکه‌اش گوشه‌ای از آن بیابان بی‌آب و علف باشد. چه فرقی دارد. ولی فرق داشت!

وقتی فکر کردم فرشید همان دوروبرهاست دیگر دلم نمی‌خواست از آن تکه جا دور شوم. همان جایی که فکر می‌کردم فرشید خوابیده می‌دانستم نه چیزی می‌فهمد و نه آنجا حضور دارد، ولی دلم می‌خواست آن‌جا باشم. توی دلم همه فریاد بود. صدایش می‌کردم. دلم می‌خواست صدایم را بشنود و بداند که چقدر جایش خالی است، حتی پس از ۲۲ سال.

همه با بغل‌های گل می‌آمدند. گل شب بود. گل بهار. بهار دل همه ما بیشتر می‌گیرد. مایی که جای خیلی‌ها را خالی می‌بینیم. جای کسانی که حتی قبری به نامشان جایی نیست. جای کسانی که نتوانستیم برایشان گریه کنیم و درد از دست دادنشان را نه فریاد کردیم و نه گریه.

اتحادیه اروپا به رژیم در باره تنظیم سند حقوق بشر هشدار داد

اتحادیه اروپا در مقر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو اعلام داشت مذاکرات این اتحادیه با رژیم جمهوری اسلامی در مورد حقوق بشر پیشرفتی نداشته است.

ماری ولان، نماینده ایرلند در اتحادیه اروپا، به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل گفت: چهارمین دور از گفت‌وگوهای ما با ایران در مورد حقوق بشر به دلیل معین نشدن تاریخی برای آن از سوی ایران برگزار نشده است.

او گفت: در مجموع ما بهبود چندانی در وضعیت حقوق بشر در ایران مشاهده نکرده‌ایم و به غیر از برخی تغییرات در زمینه حقوق زنان، نقض حقوق بشر در ایران از جمله ناپدید شدن پس از بازداشت، طولانی شدن بازداشت‌های موقت و برخورد با عقاید سیاسی و مذهبی به طور گسترده‌ای ادامه دارد.

**آدرسهای تماس
با کانون زندانیان سیاسی
ایران (در تبعید)**

AIPP in Exile
P.O.Box 786
St Marys 2760
N.S.W Australia

AIPP in Exile
P.O.Box 35662
A.B.Q.NM 87176-5662
U.S.A

AIPP in Exile
P.O.Box 95
123 22 Farsta
Sweden

AIPP in Exile
Postbus 14559
1001 LB Amsterdam
Holland

AIPP in Exile
Postfach 101520
50455 Koln
Germany

تلفن‌های تماس یا کانون

امور بین‌الملل 46 70 797 3808
امور پناهندگی 46 70 402 55 31
واحد سوئد 46 70 699 83 73
واحد استرالیا 61 2 962 31 924
واحد هلند 31 6 402 16 453
واحد آلمان 49 174 582 3006
واحد آمریکا 1 505 688 15 03

فکس‌های کانون

46 8 605 2669
61 2 962 31 924
1 505 897 1666

پست الکترونیکی

aipp@kanoon-zendanian.org

صفحه اینترنت

www.kanoon-zendanian.org

کمک‌های مالی خود را به شماره

حساب پستی :

Postgiro: 647039-7 در سوئد

واریز و فیش بانکی را با کد مورد

نظر به یکی از آدرس‌های کانون

پست نمایند

“Khabarnameh”

The Newsletter of Association of
Iranian Political Prisoners(in Exile)

بقیه صفحه ۲

**کارگران لوله سازی خوزستان
جاده اهواز-خرمشهر را بستند**

به دنبال عدم دریافت بیش از ۸ ماه حقوق، کارگران شرکت لوله شرکت خوزستان کیلومتر ۹ جاده اصلی اهواز را بسته اند.

کارگران شرکت لوله سازی خوزستان که حدود ۸ ماه است حقوق و مزایا دریافت نکرده اند، در پی دریافت وام ۵۰۰ میلیون تومانی مدیریت و عدم دریافت حقوق معوقه دست دست به اعتراض زدند. مدیریت ۵۰۰ میلیون تومان وام دریافت کرده، اما ادعا می کند این مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان است و تا امروز نیز از پرداخت حقوق کارگران خودداری کرده است.

از آنجا که کارگران این شرکت از روستاهای اطراف هستند، مردم این روستاها به کارگران پیوستند و همراه با آنها به بستن جاده و آتش زدن لاستیک دست زدند.

نمایش عبا و عمامه خمینی...

عباس سماکار طی انتشار بیانیه‌ای در رابطه با اعتراض به اطلاعیه کانون نوشت: در مقابل این موضع‌گیری بجا و به موقع کانون نویسندگان، یکی دو نفر سرو صدا راه‌انداخته‌اند که کانون نویسندگان در تبعید در مخالفت با آزادی بیان این اعلامیه صادر کرده است. طبیعاً کانون نویسندگان نیاز به این ندارد که در مقابل این اتهام سخیف و پیش‌پا افتاده از خود دفاع کند. سابقه درخشان کانون در مخالفت با آزادی‌گشی بر کسی پوشیده نیست. و من در این جا، نه به عنوان دبیر کانون؛ بلکه خود شخصاً پاسخی به این ادعاهای عجیب و غریب می‌دهم. عباس معروفی که قرار است در این مراسم توجیهی جمهوری منحوس اسلامی داستان‌خوانی کند ادعا کرده است که «نمایشگاه وسائل شخصی خمینی در برلن، حاصل کار چند هنرمند است و مخالفت با نمایش آن، به مثابه مخالفت با آزادی اندیشه و بیان است. و از این رو اعلامیه کانون نویسندگان را نقص آزادی اندیشه و بیان دانسته و به همین دلیل هم از عضویت در کانون نویسندگان استعفاء داده است.» من از همه وجدان‌های آگاه و شریف می‌پرسم که آیا مخالفت با نمایش وسائل شخصی خمینی به عنوان سمبل ارتجاع و آتمکشی، مخالفت با آزادی بیان است؟ آیا نمایشگاه وسائل شخصی خمینی، مثل عبا و تسبیح و نعلین و از این قبیل چیزها، آثار هنری است؟ آن‌هم آثار هنری هنرمندانی که به قول عباس معروفی مخالف سانسور و مدافع آزادی هستند؟

به قول عباس معروفی همگی آثار هنری و حاصل کار چند جوان ایرانی است که فقط به نیت ارائه آثار هنری اقدام به این کار کرده‌اند و «خانه فرهنگ‌های جهان» هم فقط به نیت ارائه «آثار هنری و فرهنگی مردم ایران» این نمایشگاه را گشوده است. به راستی مردم ایران چقدر باید بدبخت باشند که آثار هنری‌شان در شلوار و عبا و تسبیح خمینی خلاصه می‌شود و واقعاً آدم باید مردم را چقدر سادطوح فرض کند تا بتواند در حمایت از سیاست‌هجوم و تمحیل حضور منحوس رژیم خون و جنایت جمهوری اسلامی چنین توجیهاتی ارائه دهد. آیا شما می‌توانید حتی یک وجدان آگاه بیابید که چنین نمایش ننگین و ارتجاعی را نمایش آثار هنری بنامد و خود نیز معرکه گردان و توجیه‌گر سیاست تمحیل حضور جمهوری اسلامی شود؟ آیا مخالفت با نمایش چنین حضور منحوس و

**یک زندانی به اتهام اقدام
علیه امنیت کشور به دوازده
سال زندان محکوم شد**

محمد ابراهیمی به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و ارتداد، از سوی یکی از محاکم رژیم به دوازده سال و ده ماه حبس قطعی محکوم شده است. وی دوران محکومیت خود را در شرایط بسیار بدی در زندان رجائی شهر (گوهردشت) بسر می‌برد و در هنگام بازجویی در سلول‌های انفرادی بند سپاه پاسداران تحت شکنجه‌های جسمی و روحی قرار گرفته است. وی در حال حاضر در اندرزگاه ۳، سالن ۴ بسر می‌برد و از نهادهای حقوق بین‌المللی خواستار رسیدگی به وضعیت شده است. لازم به یادآوری است که زندان گوهردشت، یکی از زندان‌های مخوف رژیم است و بیشترین اعدام‌های دسته‌جمعی در تابستان ۶۷ در این زندان صورت گرفت.

**سازمان ملل به اتحادیه اروپا
در مورد مقررات پناهندگی
هشدار داد**

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل به اتحادیه اروپا در مورد مقررات جدید مربوط به پناهندگی در این اتحادیه هشدار داد. "رود لوبرز"، دبیرکل کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل اعلام کرد مقررات جدید اتحادیه اروپا در مورد پناهندگان، جان بسیاری را به مخاطره خواهد انداخت.

اتحادیه اروپا در صدد است با تهیه فهرستی از "کشورهای امن"، به اتباع آن‌ها حق پناهندگی اعطا نکند. "رود لوبرز" اعلام کرده است که اجرای این پیشنهاد و تغییرات دیگری که اتحادیه اروپا در صدد اعمال آن است، به اخراج بسیاری از پناهندگان از کشورهای عضو این اتحادیه منجر خواهد شد. در صورت اجرای مقررات جدید پناهندگی اتحادیه اروپا، پناهجویانی که با استناد به آن از کشورهای عضو اتحادیه اخراج می‌شوند، حق استیناف نخواهند داشت. هشدار لوبرز همزمان با برپایی نشست وزرای دادگستری و امور داخلی کشورهای عضو اتحادیه اروپایی در بروکسل ابراز شده است.

همزمان با هشدار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، چند سازمان سیاسی، پناهندگی و حقوق بشری، از جمله کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) به این طرح اعتراض کرده و خواهان آن شدند که اتحادیه اروپا از تصویب این طرح خودداری نماید.

این طرح که حاوی دو دستورالعمل است قرار است تا قبل از اول ماه می به تصویب برسند. اولین دستورالعمل در خصوص تعیین حداقل استاندارد برای احراز شرایط پناهندگی و دیگری روشهای اعطا و پس گرفتن وضعیت پناهندگی از افراد می باشد.

**نیمی از کودکان کار خیابانی ،
مورد سوء استفاده جنسی قرار
می گیرند**

براساس پژوهشی که بر روی ۵۸۵ کودک کار خیابانی در گروه سنی ۶ تا ۱۸ سال و به منظور اطلاع از وضعیت زندگی این کودکان صورت گرفته ، بیانگر این واقعیت تلخ است که بیش از ۵۰ درصد این کودکان توسط اعضای خانواده و یا صاحبکاران خود در محل کار مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند .